

دلیل عقلی جرم‌انگاری سایبری مبتنی بر قاعده اعانت بر اثم

محسن نادری^۱، علی اکبر ایزدی فرد^۲، محمدمهدی زارعی^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه مازندران
mnnnarsenal9085@gmail.com

^۲ عضو هیئت علمی دانشگاه و استاد فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه مازندران
izadifard@umz.ac.ir

^۳ استادیار و عضو هیئت علمی گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه مازندران
m.zarei@umz.ac.ir

چکیده

امروزه عقل ابر لزوم بهره‌گیری از فضای مجازی جهت تسهیل در امور مختلف اتفاق نظر دارند. برای کارایی و بهره‌گیری مطلوب از این فضا مدیریت و سازماندهی قانونی فضای مجازی امری عقلانی و شایان توجه است. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و مراجعه به کتب فقهی و آراء فقها، همراه با توجیه، تبیین، استدلال و استنتاج است. فرصت‌ها و چالش‌های فضای مجازی با عنایت به لزوم حفظ امنیت عمومی جامعه ضمن احترام به حرمت و حریم خصوصی اشخاص حقیقی و حقوقی موجب نگرانی و دغدغه در شیوه حکمرانی منطقی و اصولی بر این فضا شده است. ارائه چارچوب و ضابطه عقلایی مبتنی بر فرهنگ و عقاید جامعه جهت ورود و استفاده از فضای مجازی امری لازم و ضروری است و لزوم و اقتضای این مهم را عقل مستقلا درک می‌کند. از یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان به ضرورت عقلانی بهره‌گیری از عامل تنظیم‌کننده و سازمان‌دهنده استفاده از فضای مجازی اشاره کرد که همان «قانون» نام دارد و عدم وجود آن موجب هرج و مرج، نابسامانی و اختلال در امنیت روانی جامعه می‌شود و در نهایت استفاده از قواعد کاربردی فقهی نظیر قاعده اعانت بر اثم با رویکرد تبیینی-تنبیهی می‌توانند در ساماندهی بیش از پیش فضای سایبری مؤثر باشند.

کلمات کلیدی: فضای مجازی، اعانت بر اثم، مجازات، علم فقه، پیشگیری.

۱ مقدمه

تعاریف متفاوت و گوناگونی از فضای مجازی ارائه شده است. از جمله این تعاریف آن است که «فضای مجازی یا فضای سایبر، مفهومی برای توصیف فناوری دیجیتال به هم پیوسته گسترده است». نمی‌توان فضای مجازی را مترادف با اینترنت دانست، اما اینترنت ابزار ورود به فضای مجازی است (سیاح طاهری دیگران، ۱۳۹۶، ج ۱: ۳۰). اشخاص می‌توانند با استفاده از این فضا تعامل و تبادل ایده، اشتراک‌گذاری اطلاعات، انجام کار،

بازی کردن، فعالیت‌های اجتماعی، هنری، سیاسی و غیره را انجام دهند. فضای مجازی نقطه مقابل فضای حقیقی است. این فضا از چهار لایه تشکیل شده است. اولین لایه تجهیزات و ابزار فیزیکی می‌باشد، در دومین لایه سامانه‌ها و سکوها و فناوری‌ها که تشکیل، ذخیره و تبادل، تغییر داده‌ها و اطلاعات را ممکن می‌سازند، وجود دارند. لایه سوم مربوط به اطلاعات و محتوا است و در نهایت لایه چهارم عامل انسانی، به عنوان کاربران و بهره‌وران از این فضا حضور دارند. این لایه‌ها بایکدیگر دارای تأثیر و تأثر متقابل هستند (اسلامی تنها، پارسانیا، نجف پورآقاییگلو، ۱۴۰۰: ۳۱۱). فضای مجازی، قلمرویی وسیع و بدون مرز است که باتوجه به ویژگی‌های منحصر به فرد برای کاربران خود امکانات، آزادی‌ها، فرصت‌ها، دلهره‌ها و آسیب‌هایی را به همراه دارد. همین امر از جمله دلایلی است که هر کشوری نسبت به کاهش آسیب‌ها و مشکلاتی که ممکن است فضای مجازی با خود به دنبال داشته باشد در عین توجه به مزایای آن اقدام به وضع قوانین و مقرراتی کند تا امنیت کاربران و حکومت خود را حفظ کند.

فقه دنیای بایدها و نبایدها است. در جهان مجازی با توجه به بهره‌گیری از ابزار متنوع و پیشرفته فناوری‌ها به مراتب وقوع جرم و ارتکاب عمل خلاف شرع بیشتر و آسان‌تر از دنیای حقیقی و عالم خارج است بایدعلم فقه و فقها در ارائه احکام شرعی دقیق‌تر و حساس‌تر باشند تا مکلفین وظیفه خود را دانسته دچار حیرت و سرگردانی در این فضا نشوند. متأسفانه فقه فضای مجازی مورد تغافل و غفلت علما و پژوهشگران قرار گرفته است. تشریح احکام از سوی شارع مقدس برای تمحیض و خالص شدن مخلوقات و رسیدن به اوج و قله‌های رفیع انسانیت و آزادگی بوده است. در این مسیر علم فقه که اصطلاحاً علم به احکام شرعی فرعی از روی ادله تفصیلی (کتاب، سنت عقل، اجماع) است (علامه حلی ۱۳۷۲، ج ۱: ۱). با استفاده از قواعد سازنده و بازدارنده خود (احکام وجودی یا عدمی) در ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها اعم از زمینه‌های دنیوی، اخروی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، دینی و کنش‌گری‌های مدنی و اجتماعی هدف و غایتی جز تزکیه، اصلاح، تربیت فرد و جامعه دربر ندارد (فیض، ۱۳۹۱، ج ۱: ۱۲۳). از جمله قواعد کاربردی فقهی قاعده حرمت اعانت بر اثم است که با استفاده از این قاعده می‌توان نسبت به مدیریت مطلوب‌تر فضای مجازی اقدام نمود. چه آن که نیازهای اساسی اشخاص به ویژه نسل جوان که عبارت است از سلامت، نیازهای عاطفی، امنیت و... (آیت‌اللهی، بانکی پورفرد، بداعی، ۱۳۹۶، ج ۱: ۱۹) در فضای مجازی به مخاطره می‌افتد و بایستی مدیریت شود. نخستین کسی که اعانت بر اثم را در اثر خود هرچند به طور ضمنی بیان نموده است شیخ الطائفه شیخ طوسی صاحب کتاب خلاف و مبسوط بوده است. ایشان با استناد به اعانت بر اثم پرداخت زکات به فرد نیازمندی که آلوده به گناه و عصیان است را حرام می‌داند (شیخ طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۱: ۲۵۱). نسبت به اعانت بر اثم تعاریف گوناگونی توسط فقها ارائه شده است. شیخ مرتضی انصاری در باب اعانت بر اثم آن را این گونه ترسیم کرده است: «شخصی مقدمات فعل غیر را ایجاد کند و در انجام این مقدمات دارای قصد باشد.» از این رو تهیه مقدمات عمل حرام دیگری بدون قصد را اعانت بر اثم نمی‌داند (شیخ انصاری، ۱۴۱۱ق، ج ۱: ۶۸). برخی نیز اعانت بر اثم را به این صورت تعریف نموده‌اند که «اعانت بر اثم یعنی کمک کردن به دیگری برای انجام محرمات. مانند اینکه فروشنده‌ای انگور را به قصد تهیه شراب به دیگری بفروشد» (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق، ج ۱: ۴۸۱). هر جایی که محل زیست جمع و اجتماعی باشد نیازمند وجود قانون و اجرای آن جهت عدم تضییع حقوق دیگران و برقراری نظم و جلوگیری از

هرج و مرج در آن محیط است. فضای مجازی به عنوان محل زیست بشر از این قاعده مستثنی نیست و این مسأله امری عقلانی و منطقی است. این مهم که فضای مجازی دارای فواید و نقشی غیر قابل انکار در زندگی انسان امروزی است پذیرفته شده و عقلانی می‌باشد. اما با وجود فواید و بهره‌مندی مطلوب از امکانات این فضا ممکن است سوء استفاده‌های متفاوتی در زمینه‌های مختلف توسط شیادان، ظالمین، مستکبران، سارقان و به طور کلی مجرمان و تبه کاران صورت گیرد که امنیت روانی جامعه را به مخاطره می‌اندازند. جامعه برای قوام و بقای خود نیازمند وجود عناصری است که استمرار آن را تضمین نمایند. یکی از بنیادی‌ترین نیازهای جامعه انسانی آرامش روانی به انضمام مقوله امنیت روانی اجتماع است. امروزه با ایجاد و پیشرفت روز افزون وسایل و فناوری‌های الکترونیکی و ظهور پدیده‌ای به نام «فضای مجازی» و استفاده نامطلوب از آن فراد و جامعه متحمل آسیب‌های روانی فراوانی شده‌اند. از این رو باید این فضا تحت مدیریت و تدبیر اهل فن قرار گرفته تا آسیب‌ها و اثرات سوء آن به حد اقل ممکن برسد هرچند که با توجه به ویژگی‌هایی که فضای مجازی از آن برخوردار است ایجاد نظم و نظارت بر آن امری سخت و پیچیده است. در انجام این وظیفه، علم فقه و قواعد کاربردی آن می‌تواند یاری‌گر مسئولین ذی ربط باشد. از جمله این قواعد، قاعده حرمت اعانت بر اثم است که می‌تواند هم نقش تبیین‌کننده (پیشگیری) و هم نقش بازدارندگی قهری و سلبی (درمان) را ایفاء کند.

از نوآوری‌های پژوهش حاضر می‌توان به نقش پیشگیرانه و درمان‌گرایانه استعمال قاعده اعانت بر اثم بارویکرد تبیینی-تنبیهی اشاره نمود که مطابق این قاعده فقهی محاکم قضایی می‌توانند برای آن دسته از مواردی که تحت قاعده اعانت بر اثم قرار می‌گیرند به اقتضاء تأثیر آن‌ها بر امنیت روانی شهروندان یا جامعه و اثرگذاری اجتماعی برخی از گناهان در فضای مجازی جرم انگاری و مجازات متناسب را در نظر گیرند. به طور مثال یکی از مواردی که در فضای مجازی مشکلات روز افزونی را برای کاربران ایجاد کرده است، سرقت علمی و یا سرقت اطلاعات خصوصی اشخاص است و این امور موجب تشویش اذهان و نگرانی جامعه مؤلفان آثار علمی و آحاد جامعه از هر قشری شده است و سوء مدیریت‌ها و سخت بودن نظارت و مدیریت داده‌ها و قدرت یافتن انواع سخت‌افزارها و نرم‌افزارهای الکترونیکی، هک وسایل دیجیتالی و قفل شکن‌ها عاملی جهت تقویت سرقت‌های اطلاعاتی در همه زمینه‌ها می‌باشد.

(طارمی، ۱۳۸۷: ۳۵) نسبت به این مسأله احتمال وقوع اعانت بر اثم وجود دارد. از این جهت که مثلاً ممکن است «الف» در مسائل مربوط به فناوری‌های ارتباطی و دیجیتالی زبده و مجرب باشد و از این قابلیت خود سوء استفاده کرده و جهت کلاهبرداری شخص «ب» پیوند آلوده‌ای را در اختیار او قرار دهد که با استفاده از آن اقدام به کلاهبرداری و یا سرقت اطلاعات خصوصی افراد کند و از این طریق به ارباب، تهدید و اخاذی از آن‌ها بپردازد. در این جا شخص «الف» که ابزار کلاهبرداری را در اختیار شخص «ب» قرار داده است معین بر اثم خواهد بود.

پژوهشگران و نویسندگان به بررسی فقهی و حقوقی قاعده اعانت بر اثم در فضای مجازی پرداخته‌اند. در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

زراعت، نجفی، یزدیان، گلی (۱۳۹۹) در پژوهش خود با عنوان «مشروعیت جرم انگاری عمل تولید، توزیع و انتشار بدافزارها در فضای سایبر» از جمله دلایل و مستندات شرعی مشروعیت جرم تولید، توزیع و انتشار

بدافزارها را وجود قاعده اعانت بر اثم می‌دانند.

زند اقطاعی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی فقهی و حقوقی اعانه بر اثم در فضای سایبر باراهبرد پیشگیری» وجوه تمایز و تفاوت معاونت در جرم در فضای سایبر را بستر وقوع جرم، سهولت وقوع جرایم در این فضا، شدت ضرر و کثرت و فراوانی بزه دیده می‌داند. او معتقد است اعانت از امور تبعی است و قصد از آن به ذهن متبادر می‌شود و مفهوم قصد در معنای اعانت ظاهر است. او حرمت اضرار به غیر و مقدمه حرام را علاوه بر کتاب از دلایل حرمت اعانت بر اثم می‌داند.

پیرمردیان (۱۳۹۴) در پژوهشی تحت عنوان «حرمت اعانه بر اثم و اعانه به ظالم در رسانه‌های خبری و مطبوعات از دیدگاه فقه اسلامی و با تأکید بر اندیشه‌ی فقهی امام خمینی (ره)» عنوان می‌دارد اگر مخاطبان رسانه‌های جمعی و مطبوعات، رفتاری را در رادیو و تلویزیون بشنوند و یا مشاهده کنند و مطلبی را در روزنامه‌ها بخوانند، که احتمال تقلید از رفتارهای ناپه‌نجا و مجرمانه و گناه را در آن‌ها تقویت کند، در این صورت رسانه خبری معین بر اثم بوده و مرتکب حرام شده است.

از جمله تفاوت‌های پژوهش حاضر نسبت به مقالات مذکور توجه به دوجنبه پیشگیری و درمان مبتنی بر قاعده اعانت بر اثم در کنار یکدیگر است که متناسب با موارد مختلف می‌توان یکی از این دو روش را برگزید. همچنین می‌توان گفت محکمه این اختیار را دارد تا در حوزه مجازات معین بر اثم مستقل از مجازات یا عدم مجازات فاعل فعل حرام عمل کند.

۲ دلیل عقل مهم‌ترین مستند حرمت اعانت بر اثم

با توجه به تقسیم‌بندی‌ای که از ادراکات عقلی (به عقل عملی و و نظری) توسط فقها و فلاسفه انجام شده است و بین عقل نظری و عقل عملی تفاوت قایل شده‌اند، به نظر می‌رسد، عقل یکی از راه‌های استنباط احکام شرعی فرعی برای مجتهدین باشد به گونه‌ای که شیخ مفید (ره) عقل را طریق و راه معرفت حجیت آیات و روایات و اخبار دانسته است (شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق، ج ۱: ۲۸) و روایات هم موید حجیت عقل هستند و جایگاه و شأنیت عقل را می‌توان از حدیث مشهوری که از امام کاظم وارد شده است دریافت. ایشان فرمودند خداوند دو حجت را در اختیار مردم قرار داد، حجتی ظاهری که پیامبران و معصومین علیهم السلام هستند و دیگری حجت باطنی که همانا عقل است (کلینی رازی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱: ۱۶) انجام منکر قبیح است. این قبح را عقل مستقلا درک می‌کند و به ترک آن عمل حکم می‌کند. بناء بر این امر به حرام و تحریک دیگری و فراهم ساختن مقدمات برای انجام فعل ناشایست توسط دیگری نیز توسط عقل مذمت شده و قبیح خواهد بود و این حکم عقل به قبح انجام عمل حرام و کمک و امدادسانی برای وقوع آن در شرع مورد تأیید است اگر چه که به لحاظ شدت قبح و اعمال مجازات بین معان و معین تفاوت باشد. مستند این حکم روایتی است که در کتب معتبر فقهی از جمله کافی مرحوم کلینی آمده است. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که از سه نفر نزد امیر المؤمنین علی علیه السلام شکایت شد. یکی از آن‌ها مردی را نگه داشته بود و دیگری او را کشت و شخص ثالثی هم نظاره‌گر (دیدبان) بود. حضرت (علیه السلام) قضاوت نمود به این که بیننده (دیدبان) چشمانش کور گردد و کسی که ممسک و نگهدارنده بود در حبس بماند تا زمانی که بمیرد و قاتل

به قتل برسد و قصاص شود (کلینی رازی، ۱۴۰۷، ق، ج ۷: ۲۸۸). به نظرامام خمینی اگر شخصی به سرقت سارق کمی کند صرف نظر از این که قصد وقوع فعل مجرمانه و ارتکاب عمل حرام را داشته یا نداشته باشد عقلاً این کار مجرمانه دانسته شده و از منظر عقل قبیح است و قبح عقلی دارد. اگر چه باوجود قصد قطعاً و عقلاً قبح بیشتری خواهد داشت (خمینی، ۱۳۶۸، ج ۱: ۱۳۰) در واقع بنای عقلاً بر مجازات معین، بر اساس درک حسن و قبح عقلی یک عمل است؛ به این معنا که هرگاه عقلاً چیزی را مجرمانه بدانند به دلیل قبیح بودن آن است و به تعبیر علامه طباطبایی بنای عقلاً مبتنی بر فطرت انسانی و ضرورت نظام اجتماعی بوده و مستند آن عقل است (طباطبایی، بی تا، ج ۲: ۱۸۸-۲۰۵) نسبت به مسائلی که جنبه اجتماعی دارند عقل حکم می کند به این که برای حفظ نظام و عدم هرج و مرج باید از کارهایی که موجب هرج و مرج می شود پرهیز کرد. از این رو عقل مستقلاً حکم می کند به حرمت آن چه که موجب اختلال نظام عالم شود (موسوی قزوینی، ۱۴۲۳، ق، ج ۵: ۳۰۱) اعانت بر اثم از قبیل کارهایی است که در صورت وقوع و فراگیر شدن و عدم برخورد با شایع شدن آن باعث هرج و مرج و نابسامانی و اختلال نظام می گردد. بر اساس این مقدمات عقل حکم می کند به حرمت اعانت بر اثم و حکم می کند به برخورد و مقابله با آن. البته عکس این قضیه را هم عقل حکم می کند؛ یعنی این که افراط در بحث اعانت بر اثم موجب هرج و مرج می شود بلکه ملاک صدق عرفی عمل است که مضمول اعانت بر اثم خواهد شد یا که خیر. چرا که در اعانت به اثم رابطه مستقیم شرط است. رابطه غیر مستقیم اعانت به اثم نیست (مطهری، ۱۳۸۸، ج ۲: ۳۴۴) چون در غیر این صورت به طور مثال نباید با کسانی که عصیان می کنند و گناهی مرتکب می شوند تجارت و داد و ستد کرد تا از این طریق متناسب شوند و در غیر این صورت اعانت بر اثم محقق می شود و این افراط خیلی از کارها را تعطیل کرده و موجب عسر و حرج می گردد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴، ق، ج ۱: ۵۸).

دلیل عقل مهم ترین مستند قاعده اعانت بر اثم است. از این رو عقل حکم می کند به قبیح بودن کمک به انجام فعلی که مبعوض خداوند خواهد بود (حسینی مراغی، ۱۴۱۷، ق، ج ۱: ۵۶۵).

۳ رویکرد پیشگیرانه و تربیتی مبتنی بر قاعده اعانت بر اثم

زمانی که بشر ابزاری را تولید می کند؛ چگونگی کار کردن با آن ابزار را به دیگران آموزش می دهد تا بتوانند از آن وسیله سالیان متمادی بهره ببرند. حال اگر فردی به توصیه ها درباب بهره مندی از این ابزارها توجهی نکند متضرر شده و روز به روز کارایی و کارکرد آن وسایل و ابزارتنزل می یابد و نهایتاً از بین می روند. انسان که آفریده آفریدگاری حکیم است می بایست به دستورات صانع خویش عمل کند؛ در غیر این صورت روز به روز به تباهی و سقوط نزدیک می شود. این فرامین و احکام در قالب فقه برای مردم بازگو می شود. مفهوم فقه یک مفهوم بسیط (فراگیر و گسترده) است که همه ابعاد زندگانی فردی و اجتماعی انسان ها را فرا گرفته است. در بهره گیری و مدیریت از فضای مجازی علم فقه و قواعد کاربردی آن می تواند یاری گر مسئولین ذی ربط باشد. از جمله این قواعد، قاعده حرمت اعانت بر اثم است که می تواند هم نقش تبیین کننده و پیشگیری کننده و هم نقش بازدارندگی قهری و سلبی و درمان را ایفاء کند. فضای تعاملی شبکه های مجازی شمشیری دولبه است که یک لبه آن فرصت و لبه دیگر آن تهدید است. این مسأله که یک نوجوان و یا جوان بتواند باگذر از مرزهای

جغرافیایی با افراد هم سن خود در نقاط مختلف از جهان واقعی تعامل پیدا کند از این منظر که می‌تواند به معرفی باورها، اعتقادات، اندیشه‌های صحیح، فرهنگ و آداب و رسوم خود بپردازد و آن‌ها را بادیگران به اشتراک بگذارد، کارکرد مثبت فرهنگی و ارتباطی فضای مجازی خواهد بود. اما این تعامل با افراد دیگر بر اساس نوع نیازها دینی، اعتقادی و دنیوی اشخاص توسط آن‌ها ساماندهی می‌شود (خاکسار، عدلی پور، معمار، ۱۳۹۱: ۱۷۱). از این رو ممکن است با کاهش تعلقات مذهبی و اخلاقی در طیف جوانان و نوجوانان که از آسیب‌های فضای مجازی است (همان). این قشر حساس مرعوب زندگی مادی هم سنین خود در نقاط دیگر جهان واقعی شده و تأثیر منفی بر رفتار و کردار آن‌ها داشته باشد و دست به اعمال و کرداری بزنند که خلاف عقل و شرع باشد. چراکه در هر جایی که فردیت نباشد و جمعی در کنار هم قرار بگیرند احتمال وقوع اثم و یاری رساندن بر آن وجود دارد. بناء بر این حکمرانی و نظام اجتماعی باید هنجارها و ارزش‌های اعتقادی و اجتماعی خود را برای احاد جامعه تبیین کرده و در اثر بخشی هویت ثابت افراد در فضای مجازی نهایت تلاش خود را کند در غیر این صورت اشخاص برای جبران ضعف‌هایشان و با عنایت به از دست دادن هویت اجتماعی خود دست به اقدامات نامعقول زده و به افرادی پناه می‌برند که منتظر فرصت برای سوء استفاده از چنین افراد آسیب دیده و آسیب‌پذیری هستند (خاکسار، عدلی پور، معمار، ۱۳۹۱: ۱۷۰) و این مهم در وهله اول برعهده خانواده است و پس از آن همت نهادهای اجتماعی را می‌طلبد.

دشمن به محض آن که اتفاقی در کشور ما واقع می‌شود سعی در سیاه نمایی و بزرگ نمایی می‌کند و اگر مشابه همان اتفاق نسبت به خود آن کشور یا کشورهای مشترک المنافعشان رخ دهد سکوت کرده و یا سعی در توجیه آن اتفاق می‌کنند و با نهایت توان خود در جهت ارباب مسلمانان و تهاجمات فرهنگی و اقتصادی و سیاسی و از همه مهم‌تر اعتقادی گام بر می‌دارند. از طرفی خداوند متعال در قرآن کریم حکم به عدم مرعوب شدن و عدم تسلط کافران بر مؤمنان داده است و تسلط کافران بر مؤمنان را نفی کرده است و می‌فرماید «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء/۱۴۱) «و خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است».

البته مقصود از نفی جعل، نفی تشریحی است نه تکوینی، زیرا اگر نفی جعل تکوینی بود، می‌بایست در خارج هیچ گونه تسلطی برای کافران تحقق نمی‌یافت، حال آن که در برخی موارد سلطه کافران بر مؤمنان در عالم خارج وجود دارد (هاشمی رفسنجانی و دیگران، ۱۳۸۹، جلد ۲۲: ۳۶۹). دولت‌های اسلامی به خصوص جمهوری اسلامی ایران به عنوان تنها دولت مقتدر شیعی در جهان کنونی که مورد هجمه‌های شدید فرهنگی، اقتصادی و سیاسی از سوی مستکبران و دولت‌های مستبد قرار دارد بایستی نرم‌افزارها، سخت‌افزارها و تمامی امکانات مورد نیاز را جهت حمایت از تولید و تقویت سکوهای پیام رسان‌های داخلی به کار گیرد و در ضمن قراردادهای رسمی و الزامی نسبت به پیام رسان‌های جهانی که دفاتر آن‌ها در کشورهای خصمانه‌ای چون ایالات متحده آمریکا است تنظیم کرده و تعهدات لازم را در جهت حفظ منافع و امنیت ملی اخذ کند و هر جا حاکمیت، استقلال، باورها و ارزش‌های الهی جامعه در معرض تهاجم و خطر قرار گرفت با اقدامات به هنگام و دقیق به مقابله به مثل با آن بپردازند. در صورت اهمال و سستی مقامات مربوطه می‌توان بر اساس قواعد فقهی‌ای نظیر نفی سبیل و حرمت اعانت بر اثم مورد مؤاخذه واقع شوند.

علم فقه و به‌خصوص شاخه تربیتی آن رویکرد پیشگیرانه به مسائل داشته و آداب و شیوه تربیتی را در

اختیار جامعه قرار می‌دهند. مربی باید به مربی بیاموزد که در اجتماع با چه اشخاصی مجالست نماید تا به رشد برسد و از همنشینی باچه کسانی بپرهیزد و برحذر باشد تا به سعادت برسد. «الهی همنشین از همنشین رنگ می‌گیرد خوشا آنکه با تو همنشین است» (علامه حسن‌زاده آملی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۸۲) اجتماع امروزی فقط در عالم حقیقی نیست و در فضای مجازی گروه‌های مختلف و متعددی با اهداف گوناگونی گرد هم می‌آیند. آداب معاشرت، تشخیص حق و باطل، رعایت حقوق دیگران، کنترل غریزه جنسی و دقت نظر در صحبت با جنس مخالف و ... همه به تربیت فقهی و تأثیرپذیری شخص از احکام تکلیفی و پیروی از آن برمی‌گردد. انسان به ناچار جهت رفع حوائج و تحصیل امور باید با اصناف مردم معاشرت داشته باشد که این معاشرت موجبات تأثیر و اثر متقابل می‌گردد. از این رو باید آداب معاشرت و حقوق دیگران را بداند و رعایت کند. علما علم اخلاق گفته‌اند که باید باشش طیف مجالست نمود که عبارت‌اند از: علما، صلحا، کریمان، عقلا، فقرا و معمرین و از مجالست با چهارده دسته و گروه بپرهیز کرد، نظیر ظالمان، بخیلان، فاسقان، حمقا و ... (علامه فشارکی، ۱۳۹۲، ج ۱: ۱۰۱). متأسفانه پدیده‌ای که امروزه در بین نوجوانان و جوانان در فضای مجازی به وفور به چشم می‌خورد و منجر به بحران‌های هویتی و اجتماعی می‌شود، دوستی با جنس مخالف است. دوستی با جنس مخالف اکثراً هوس آلود بوده و در قرآن کریم مورد مذمت و نهی قرار گرفته است و به کنترل قوای جنسی قبل از ازدواج تأکید شده است و از دوستی‌های پنهانی منع نموده است (متخدی اخدان) (مائده/۵) (آیت الهی، بانکی پورفرد، بداعی و دیگران، ۱۳۹۴، ج ۱: ۲۱). دوستی با جنس مخالف پیامدهای ناگواری از قبیل ضعف اراده، ایجاد اضطراب، افت تحصیلی، ناراحتی‌های روحی و روانی، کاهش اعتماد، افزایش ازدواج‌های ناپایدار (آیت الهی، بانکی پور فرد، بداعی، ۱۳۹۴، ج ۱: ۲۳) و وابستگی‌های شدید که در برخی از موارد در صورت ترک طرف مقابل منجر به اعمال قبیح و خطرناکی چون خودکشی می‌شود. برای جلوگیری از وقوع این پیامدهای ناگوار که آسیب جدی به یکی از مهم‌ترین ارکان اجتماع یعنی خانواده می‌زنند و در نهایت اثرات منفی آن به کل جامعه سرایت می‌کند تربیت فقهی باید نقش سازنده‌ای را ایفاء کند.

۴ رویکرد تنبیهی - درمانی مبتنی بر جرم‌انگاری اعانت بر اثم

هر جایی که محل زیست جمع و اجتماعی باشد نیازمند و مستلزم وجود قانون و اجرای آن جهت عدم تضییع حقوق دیگران و برقراری نظم و جلوگیری از هرج و مرج در آن محیط است و این مسأله امری عقلانی و منطقی است. فضای مجازی به عنوان محل زیست بشر از این قاعده مستثنی نیست. ایجاد هرگونه محدودیتی ناخودآگاه ذهن انسان را به سمت وجود عامل پیشگیرانه و بازدارنده جهت شکل‌گیری آن محدودیت و ضمانت اجرای آن می‌برد. به نظر می‌رسد عامل پیشگیرانه جهت لزوم ایجاد محدودیت در فضای مجازی دین و اخلاق برگرفته از احکام شرع مقدس اسلام است که با ارائه بایدها و نبایدها وظایف مکلفین را روشن می‌کند و محدودیت‌های برگرفته از مستندات نقلی و عقلی را تبیین می‌کند و نهایتاً عامل قانون و مواد قانونی ابزار ضمانتی اجرای محدودیت‌ها را تضمین خواهد نمود. بسیاری از هنجارها در کشور ما منطبق با حکم شارع مقدس و آموزه‌های اسلامی است و در دین مبین اسلام امر و نهی (ایجاد محدودیت) برای سعادت دنیوی و اخروی انسان‌ها وارد شده است.

در اجتماع، از مهم‌ترین اجزاء در اجتماعی شدن افراد جامعه، رعایت و پیروی از هنجارها، ارزش‌ها و قوانین می‌باشد. رعایت تقوا الهی و عدم ارتکاب آن چه که توسط شارع مقدس و قانون‌گذار نهی شده است به طور مکرر در آیات و روایات وارد شده است. از جمله اموری که شارع از آن‌ها نهی کرده اعانت بر اثم می‌باشد که در سوره مبارکه مائده آیه دو به آن اشاره شده است. راحتی در دسترسی به امکانات فضای مجازی و تنوع در ارائه سرویس‌ها و خدمات در بستر آن موجب ورود بسیاری از افراد به فضای مجازی بلکه اعتیاد بیش از حد آن‌ها خصوصاً نسل جوان به استفاده از فضای مجازی می‌شود (سیاح طاهری و دیگران، ۱۳۹۶، ج ۱: ۸۲) و این تسهیل و تنوع مشکلاتی را ایجاد می‌کند که نیازمند تدبیر مسئولین و نهادهای مربوطه برای کاهش آسیب‌های فضای مجازی است. یکی از شایع‌ترین آسیب‌ها و مخاطرات این فضا انتشار اخبار کذب به صورت آگاهانه توسط معاندین و ظالمان در عصر حاضر جهت بهره‌وری سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خویش است. حال اگر رسانه‌های خبری و افراد مشهور که موضع‌گیری آن‌ها در معرض دید عموم قرار دارد و به طور کلی کنش تمامی کاربران فضای مجازی متأثر از رفتار تقلیدی و کورکورانه باشد و بدون فحص و بررسی صحت و کذب اخبار، به باز نشر مطالب کذب رسانه‌های معاند اقدام کنند، کنش آن‌ها مشمول اعانت بر اثم خواهد بود (پیرمادیان، ۱۳۹۴: ۶۸).

قتل نفس و کشتن انسان بی‌گناه از جمله گناهان کبیره و معظمی است که خداوند نسبت به ارتکاب آن چنین می‌فرماید: «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا» (مائده/۳۲). وقتی انسانی به ناحق کشته شود گویی همه انسان‌ها کشته شده‌اند. از این رو قتل نفس به غیر حق در شرع مقدس حرام شده است و غایت دلالت مفهومی قید مذکور در آیه آن است که شخصی که مفسد فی الارض بوده است خونس محترم نبوده و مشمول حکم آیه نمی‌شود (هاشمی شاهرودی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۲۴۹). امروزه بارشده فزاینده استفاده از فضای مجازی و پیشرفت علوم و فنون و مهارت انسان امروزی در به کارگیری صنایع و ابزارهای مرتبط با فناوری‌های ارتباطات و سخت‌افزارها و نرم‌افزارهای مجازی امکان وقوع قتل در فضای مجازی میسر شده است به این شکل که شخصی با انجام عملیات و اقداماتی زمینه موت دیگری را فراهم کند یا خود عامل فوت دیگری شود (ایزدی فرد، حسین نژاد، ۱۳۹۵: ۱۰).

بناء بر این هم امکان وقوع اثمی از نوع قتل نفس در فضای مجازی ممکن است و هم احتمال ایجاد مقدمات آن و وقوع اعانت بر اثم در آن می‌رود.

به طور مثال شرکت دانش‌بنیانی اقدام به تولید کوادکوپتر (یکی از انواع پهبادها و ریزپرنده‌ها) در زمینه اطفاء حریق شرکت‌ها و منازل مسکونی نماید و یا جهت شناسایی خطرات در محیط‌های حساس ساخته شود و کسانی که به لحاظ تجاری و یا نظامی از تولید این ابزار ناراحت و عصبانی هستند و مقاصد شوم خود را در خطر می‌بینند با استفاده از افراد متبحر و ماهر و بانفوذ در نیروهای خلق‌کننده آن ریزپرنده اقدام به خرابکاری و در دست گرفتن مدیریت آن کرده و باتعیه بمب‌های کوچک و وسایل احتراق‌زا موجب آتش‌سوزی در محل شده و از این طریق جان آدم‌های بی‌گناه را می‌گیرند. این افراد قطعاً اثم هستند. نمونه دیگر از قتل نفس در فضای مجازی که مرتبط با اعانت بر اثم در فضای مجازی می‌باشد آن است که مثلاً شرکت تولیدکننده بازی‌های رایانه‌ای اقدام به تولید بازی‌ای کند که در یکی از مراحل آن تشویق به خودکشی افراد و کاربران شود و یا از آنها خواسته شود که برای گذر از مرحله‌ای از بازی به مرحله دیگر خودشان یا شخص دیگری را به

قتل برسانند. اقدام این شرکت در تحریک و تشویق کاربران بر قتل نفس علاوه بر اثم قطعاً از مصادیق اعانت بر اثم خواهد بود.

این موارد فقط گوشه کوچکی از مشکلاتی است که فضای مجازی با وجود مزایایی که در عصر حاضر برخوردار است به وجود آورده است. جامعه انسانی (اسلامی) از بازوی قهری خود به نام قوانین (جزایی) صرفاً برای اینکه مردم از ترس عقاب به دستورات و فرمان‌ها جامه عمل ببوشانند اکتفاء نمی‌کند بلکه غایت و هدف نهایی آن است که انسان به عنوان اشرف مخلوقات به درجه‌ای از خودمراقبتی رسیده تا دارای فضائل و عادات نفسانی نیکو که مدنظر شارع بوده است برسد (علامه طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۶: ۵۲۳). قواعد فقهی که در چارچوب بایدها و نبایدها هستند و علاوه بر نقش بازدارندگی بعضاً نقش سازندگی نیز دارند می‌توانند در موارد ضروری با رویکرد قهری نسبت به تنبیه که یکی از روش‌های تربیتی و خاص است در مراحل بالاتر از نافرمانی‌های مدنی و تربیتی استعمال شوند و بر کاهش آسیب‌ها و مخاطرات در فضای حقیقی و مجازی مؤثر باشند. در هر ثانیه میلیاردها محتوا و بیشتر در فضای مجازی تولید، منتشر و باز نشر داده می‌شود. در کشور ما تولید برخی محتواها جرم‌انگاری شده است و البته در برخی موارد خلأ قانونی وجود دارد. به عنوان نمونه قمار بازی با هر وسیله‌ای ممنوع است و طرح دعوا در این زمینه مسموع نیست (قانون مدنی ماده ۶۵۴) و مطابق با قانون جرایم رایانه‌ای (ماده ۱۴) انتشار، توزیع و معامله محتوا مستهجن علیه عفت و اخلاق عمومی جرم‌انگاری شده است. همچنین جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی جامعه در بستر فضای مجازی به عنوان جرمی مستقل دارای مجازات‌های معین است. اما علاوه بر این نمونه‌ها و مواردی که مستقلاً و مستقیماً دارای عنوان مجرمانه هستند و منجر به تخلفات شرعی و قانونی می‌شوند ممکن است در مواردی به صورت غیرمستقیم باشد. مانند منطوق ماده ۱۵ قانون جرایم رایانه‌ای که اشعار می‌دارد تحریک، ترغیب، تطمیع و دعوت افراد به فحشاء و ارتکاب جرایم منافی عفت یا انحرافات جنسی و اعتیاد به مواد مخدر و خودکشی و اعمال خشونت‌آمیز جرم است و حسب مورد مجازات‌هایی را تعیین کرده است. از این رو ممکن است از طریق تولید بازی‌ها، سایت‌ها، تبلیغات ویدیویی و غیره به صورت غیرمستقیم و یا حتی بدون این که هدف اصلی از آنها تولید محتوای مخرب باشد مقدمه‌ای برای انجام فعل حرام، تسهیل و ارتکاب عمل نامشروع گردد.

باتوجه به این که فضای مجازی قایل به زمان و مکان نمی‌باشد جرایم سازمان یافته فراوانی در این فضا در حال گسترش است و درعین حال تولید محتوا و برنامه‌ها در این فضا بی‌شمار است و دقت نظر، تخصص و تعهد نهادهای تجویزکننده و نظارتی را در پیش‌بینی، پیشگیری، برخورد با ناپهنجاری‌ها و ساماندهی فضای مجازی می‌طلبد.

۵ نتیجه‌گیری

بر اساس آن چه که عنوان شد، می‌توان نتیجه گرفت:

مشکلات حقوقی نظیر عدم رعایت حق صاحب اثر، حق تألیف، کلاهبرداری، سرقت، ارباب و تهدید انتشار مسائل خصوصی و ... باعث می‌شود تا کاربران با احتیاط بیشتری پا در عرصه فضای مجازی گذاشته و سعی در رعایت حدود الهی و چارچوب‌های عقلایی و منطقی کنند تا کمتر دچار تنش و آسیب‌های بعضاً غیر قابل

جبران کردند.

از طرفی دولت‌ها باید مطابق عقل و شرع قوانین محکم و قابل اجرایی را به اقتضای مقتضیات زمان حاضر نسبت به فضای مجازی وضع نموده و بر حسن اجرای آن قوانین نظارت مستمری داشته باشند. بناء بر این برای جلوگیری از سوء استفاده نسبت به قابلیت‌های موجود در فضای مجازی، عدم تضييع حقوق ديگران، برقراری نظم و امنیت اجتماعی و جغرافیایی، حفظ استقلال و قدرت حکومت اسلامی در برابر دشمنان و بدخواهان واز همه مهم‌تر عدم فراموشی نسبت به قادر متعال؛ بایستی محدودیت‌های دقیق و قابل اجرایی ایجاد نمود که منطبق بر عقل و شرع باشند و در این زمینه علم فقه و قواعد استخراج شده از آن نظیر قاعده لاضرر، قاعده اعانت بر اثم و قاعده نفی سبیل که مبتنی بر آیات، روایات و دستورات شارع مقدس هستند کمک حال قانون‌گذار است. البته باید به درستی شناخته و تبیین گردند تا به نحو شایسته‌ای از هر کدام از این قواعد و سایر قواعد کاربردی در علم فقه بهره‌مندی جامع و کاملی برده شود.

برای ساماندهی فضای مجازی و کاهش جرایم سایبری:

۱- ابتداء و در بادی امر با رویکرد تربیتی نهادهای مختلف از جمله خانواده و نهادهای متولی فرهنگی با شناخت نیازهای جامعه امروزی و شناخت واقعیت‌های فضای مجازی به کاهش آسیب‌ها و تنش‌های نشأت گرفته از فضای مجازی کمک کنند.

۲- تنبیه یکی از ابزارهای تربیتی است. این شیوه بایستی با دقت و با هدف پیشگیری از اشاعه اعمال مجرمانه و اثربخشی و تنبیه افراد صورت بگیرد تا امنیت روانی جامعه در معرض خطر قرار نگیرد. بناء بر این پیشنهاد می‌شود که قوه مقننه با ارائه قوانینی متناسب با ویژگی‌های دنیا مجازی و وظایف نهادهای ذی‌ربط مرتبط با این حوزه و کاربران را در جهت بهره‌برداری مطلوب از این فضا تعیین و تسهیل کرده و جرایم سایبری را به حداقل برساند و محاکم قضایی نیز با توجه به حرمت اعانت بر اثم در شرع می‌توانند نسبت به آن دسته از گناهایی که جنبه اجتماعی داشته و با امنیت روانی جامعه در ارتباط هستند از جنبه تعزیری رویکرد جرم‌انگاری و مجازات را در نظر بگیرند.

مراجع

- [۱] قرآن کریم
- [۲] قانون جرایم رایانه‌ای
- [۳] قانون مدنی
- [۴] اسلامی تنها، علی اصغر، آقاییگلو، عزیز، پارسانیا، حمید (۱۴۰۰). مدینه فاضله مجازی چارچوب نظری حکمرانی فضای مجازی جمهوری اسلامی، دو فصلنامه علمی دین و ارتباطات، سال بیست و هشتم، ش اول، بهار و تابستان، صص ۳۰۵-۳۳۰.
- [۵] انصاری، شیخ مرتضی، (۱۴۱۱ق). المکاسب، چاپ اول، قم: انتشارات دارالذخائر.
- [۶] آیت‌اللهی، زهرا، بانکی‌پورفرد، امیرحسین، بداعی، فاطمه، و دیگران، (۱۳۹۴). دانش خانواده و جمعیت، قم، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.
- [۷] ایزدی‌فرد، علی‌اکبر، حسین‌نژاد، سید مجتبی، (۱۳۹۵). بررسی فقهی قتل در فضای مجازی، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال هشتم، ش ۱۴، بهار و تابستان، صص ۷-۳۴.

- [۸] پیرمردیان، سیدمحمدرضا، (۱۳۹۴). «حرمت اعانه بر اثم و اعانه به ظالم در رسانه‌های خبری و مطبوعات از دیدگاه فقه اسلامی و با تأکید بر اندیشه‌ی فقهی امام خمینی (ره)»، سپهرسیاست، ش ۵، پاییز، صص ۶۱-۷۵.
- [۹] حسن زاده آملی، حسن، (۱۳۷۲). الهی نامه، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء، چاپ چهارم.
- [۱۰] حسینی مراغه‌ای، سید میر عبدالفتاح، (۱۴۱۷ ق). العناوین الفقهیة، چاپ دوم، قم، مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين.
- [۱۱] حلی، حسن بن یوسف بن المطهر، (۱۳۷۲). تذکرة الفقها، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث.
- [۱۲] خاکسار، فائزه، عدلی پور، صمد، معمار، ثریا (۱۳۹۱). شبکه‌های اجتماعی مجازی و بحران هویت (باتأکید بر بحران هویتی ایران)، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره اول، ش ۴، زمستان، صص ۱۵۵-۱۷۶.
- [۱۳] خمینی، سیدروح الله الموسوی، (۱۳۶۸). المکاسب المحرمة، چاپ سوم، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
- [۱۴] زراعت، عباس، گلی، سلمان، نجفی حسین، یزدیان جعفر، (۱۳۹۹). «مشروعیت جرم‌انگاری عمل تولید، توزیع و انتشار بدافزارها در فضای سایبر»، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ش ۲۳، پاییز و زمستان، صص ۴۱۵-۴۳۸.
- [۱۵] زنداقطاعی، فاطمه، (۱۳۹۸). «بررسی فقهی و حقوقی اعانه بر اثم در فضای سایبر با راهبرد پیشگیری»، دوفصلنامه تخصصی مطالعات فقهی، سال دوم، ش دوم، بهار و تابستان، صص ۳۹-۶۱.
- [۱۶] سیاح طاهری، محمد حسین و دیگران، (۱۳۹۶). حقیقت مجازی (درباره فضای مجازی چه بدانیم و چه بگوییم؟)، تهران، مرکز ملی فضای مجازی.
- [۱۷] شیخ مفید، محمدبن محمد بن نعمان بن حارثی مدحجی عکبری، (۱۴۱۳ ق). التذکرة باصول الفقه، چاپ اول، قم، المؤتمر الاعالمی لالفیة الشیخ المفید.
- [۱۸] طارمی، محمد حسین، (۱۳۸۷). فضای سایبر، آسیب‌ها و مخاطرات، ره‌آورد نور، ش ۲۲، بهار، صص ۳۲-۳۹.
- [۱۹] طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- [۲۰] طباطبایی، محمدحسین، (بی تا)، حاشیة الکفایة، قم، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی.
- [۲۱] طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۸۷ ق). المبسوط فی فقه الامامیة، تهران، المكتبة المرتضویة.
- [۲۲] فشارکی، محمد حسین، (۱۳۹۲). آداب الشریعة (دستورات زندگی)، قم، انتشارات ارم، چاپ هفتم.
- [۲۳] فیض، علی‌رضا، (۱۳۹۱). مبادی فقه و اصول، تهران، مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، چاپ بیست و دوم.
- [۲۴] کلینی رازی، ابی جعفر محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق). (اصول) الکافی ط اسلامیة، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الاسلامیة.
- [۲۵] مطهری، مرتضی، (۱۳۸۸). مجموعه آثار ط صدرا، تهران، صدرا.
- [۲۶] مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۴ ق). کتاب النکاح، چاپ اول، قم، مدرسة الامام علی بن ابی طالب (ع).
- [۲۷] مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۷ ق). دائرة المعارف فقه مقارن، چاپ اول، قم، مدرسة الامام علی بن ابی طالب (ع).
- [۲۸] موسوی قزوینی، سیدعلی، (۱۴۲۳ ق). تعلیقة علی المعالم الاصول، چاپ اول، تهران، مؤسسه نشر اسلامی.
- [۲۹] هاشمی رفسنجانی، اکبر و دیگران، (۱۳۸۹). فرهنگ قرآن، مرکز فرهنگ و معارف قرآن، مؤسسه بوستان کتاب.
- [۳۰] هاشمی شاهرودی، سید محمود، (۱۳۷۸). بایسته‌های فقه جزا، تهران، نشر میزان.

